



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۷

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه ششم: پیشینه مالکیت معنوی - ۲. پیشینه مالکیت صنعتی -

پیشینه مالکیت معنوی در ایران - ۱. پیشینه مالکیت ادبی و هنری در ایران - ۲. پیشینه مالکیت صنعتی در ایران

جلسه: ۹

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در پیشینه مالکیت معنوی و سیر تطور آن بود؛ گفتیم با توجه به اینکه مالکیت معنوی دو شاخه اصلی دارد، یکی مالکیت ادبی و هنری، و دیگری مالکیت صنعتی، و سوابق اینها با هم تفاوت دارد، بهتر آن است که بحث از تایخچه و پیشینه مالکیت معنوی را در این دو شاخه جداگانه ذکر کنیم. جلسه گذشته درباره پیشینه و تاریخچه مالکیت ادبی و هنری به صورت اجمالی مطالبی را بیان کردیم.

۲. پیشینه مالکیت صنعتی

در مورد مالکیت صنعتی، همانطور که در جلسه قبل هم اشاره کردیم، سابقه و پیشینه چندان درازی مثل شاخه دیگر مالکیت معنوی ندارد. منظور از مالکیت صنعتی، مفهوم و معنای عام آن است؛ یعنی درست است با عنوان مالکیت صنعتی شناخته شده، اما اختصاص به صنعت ندارد. لذا شامل کشاورزی، بازرگانی و هر نوع محصولی می شود که از رهگذر کشاورزی و دامداری و صنعت و استحصال مواد از طبیعت بدست می آید. حتی علائم کارخانجات، علائم تجاری، اختراعاتی که در این حوزه ها صورت می گیرد، علائم مربوط به خدمات و نام های بازرگانی، اینها همه در دایره مالکیت صنعتی می گنجد. به عبارت دیگر، هر چه از شمول مالکیت ادبی و هنری خارج باشد، در دایره مالکیت صنعتی گنجانده می شود. ما اجمالاً مصادیقی از مالکیت ادبی و هنری را ذکر کردیم؛ غیر از آن، در بخش صنعت، کشاورزی، دامداری، خدمات (با اینکه صنعت به معنای خاص بر آن اطلاق نمی شود)، همه اینها تحت این عنوان قرار می گیرند. خود خدمات یک دامنه بسیار گسترده ای دارد؛ مخصوصاً در زمان ما که انواع خدمات به ویژه در حوزه فضای مجازی شکل گرفته و ابتکارات و خلاقیت هایی در این حوزه پدید آمده که واقعاً اگر حق یا حقوق مربوط به مالکیت این ابتکارات نادیده گرفته شود، مبتکران را از سودهای فراوانی که محصول ابتکار آنهاست، محروم می کند و دیگران از دست رنج ها و زحمات آنها در این عرصه ها سوءاستفاده می کنند. به هر حال دامنه مالکیت صنعتی به عنوان یکی از شاخه های مالکیت معنوی، بسیار گسترده است. البته این گستردگی امروز پدید آمده است و در بدو امر تنها شامل برخی اختراعات بود. مالکیت صنعتی مانند مالکیت ادبی و هنری سابقه چندان درازی ندارد که به یونان و روم باستان برگردد؛ البته برخی تلاش کرده اند که سابقه مالکیت صنعتی را به آن دوران هم برگردانند. بعضی از دستورات امپراتوری های روم باستان ممکن است به عنوان حمایت های ویژه از این قسم از مالکیت تلقی شود؛ لکن اصلی ترین نشانه و رد پای مالکیت صنعتی، به زمانی برمی گردد که اختراعات به واسطه اعطای یک امتیاز خاص یا به صورت طرح دعوا در محاکم مورد توجه و حمایت قرار گرفته بود. حالا تاریخ دقیقی نمی توانیم ذکر کنیم، ولی شاید در قرون سیزدهم یا چهاردهم میلادی، این مسئله

بیشتر آشکار شد؛ ولی هنوز نه قانونی تدوین شده بود و نه مکتوبی برای حمایت از اختراع وجود داشت. مثلاً اگر کسی چیزی را اختراع می‌کرد، پادشاه به او یک امتیازی می‌داد. اما از قرن هجدهم، تقریباً قوانینی برای حمایت از اختراعات تدوین شد؛ در سال ۱۷۹۰ میلادی در امریکا و یک سال بعد در فرانسه، قوانین ملی در حمایت از اختراع به تصویب رسید. این حمایت‌ها در محدوده دو کشور بود.

کم‌کم حمایت از مالکیت صنعتی و به خصوص اختراعات، بُعد بین‌المللی و جهانی پیدا کرد. این امر دلایل خاص خود را داشت؛ حداقل دو عامل اصلی و دو دلیل عمده برای حمایت جهانی و فراگیر و بین‌المللی نسبت به مالکیت صنعتی می‌توان ذکر کرد:

۱. یکی اینکه اختراعات و تکنولوژی، نیاز جهانی بود؛ کسی که برق را اختراع کرد، نیاز مردم یک منطقه خاص نبود، بلکه مشکلی را در زندگی بشر در سطح دنیا حل می‌کرد. سایر وسایلی که اختراع شد نیز همینطور بود؛ مثل ماشین و هواپیما؛ خیلی از خلاقیت‌ها و ابتکارات هست که ما چیزی درباره آنها نشنیده‌ایم و به اهمیت آنها واقف نیستیم؛ از جزئی‌ترین قطعات گرفته تا امور بسیار مهم. بنابراین هم نیاز عمومی جهانی و هم تمایل مخترعان و سازندگان برای انتقال تکنولوژی به سایر نقاط جهان و به تبع آن تجارت کردن در سطح بین‌الملل، عامل عمده‌ای بود که کم‌کم انگیزه و دغدغه تدوین قوانین بین‌المللی در افراد و دولت‌ها و شرکت‌ها پدید بیاید.

۲. عامل دیگر اینکه مخترعان می‌دیدند از حضوری که در بعضی از مناطق دیگر پیدا می‌کردند، مثلاً نمایشگاهی برگزار می‌شد که این اختراعات و ابتکارات در معرض دید همگان قرار بگیرد، حمایت کافی صورت نمی‌گرفت. مثلاً در سال ۱۸۷۳ در وین نمایشگاهی برپا کردند و از همه مخترعان دعوت شد تا اختراعات خود را در آن نمایشگاه در معرض دید عموم قرار بدهند؛ اما چندان استقبال از این امر نشد و تمایل چندانی برای عرضه عمومی ابتکارات و اختراعات نبود. این می‌توانست هم به دلیل عدم فهم اهمیت این موضوع باشد و هم به دلیل عدم حمایت. اما کم‌کم وقتی این نیاز جهانی پدید آمد و زمینه تجارت و سودآوری مالی از این اختراعات در ذهن مخترعان و دولت‌ها و شرکت‌های بازرگانی و اقتصادی و مالی پدید آمد، فکر و انگیزه تدوین قوانین بین‌المللی برای حمایت از اختراعات قوت گرفت، تا اینکه نهایتاً در چند کنگره بین‌المللی این اتفاق افتاد.

ابتدا یک کنگره‌ای در وین در سال ۱۸۷۳ گذاشتند که خیلی مورد استقبال قرار نگرفت و با شکست مواجه شد. اما پنج سال بعد یعنی در سال ۱۸۷۸ کنگره دیگری در پاریس برگزار شد که در آن کنگره مقرر شد مبنایی برای مقررات یکسان در زمینه مالکیت صنعتی ایجاد کنند؛ بعد هم پیش‌نویسی تهیه شد تا اینکه یک کنفرانس بین‌المللی در سال ۱۸۸۰ در پاریس برگزار شد و برخی از کشورها به آن کنفرانس دعوت شدند. در آن کنفرانس، پیش‌نویسی تهیه کردند که مواد آن پیش‌نویس هنوز مهم‌ترین اجزاء کنوانسیون پاریس است؛ البته هنوز سازمان نشده بود بلکه مقرراتی تدوین شد که بعدها تبدیل به سازمان شد. آن مقررات، بن‌مایه تشکیل سازمان جهانی مالکیت معنوی گردید. از سال ۱۸۸۳ تا به امروز، الحاقیه‌ها و تبصره‌ها یکی پس از دیگری آمده‌اند؛ هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، در این باره قوانین و مقرراتی را به تصویب رسیده و قهراً مسئله حمایت از اختراعات و ابتکارات در عرصه‌های گوناگون کامل‌تر شده و امیدواری بیشتری را برای حمایت از اختراعات و ابتکارات ایجاد کرده است. اگر ما بخواهیم این تغییرات را به صورت کامل ذکر کنیم، خیلی زمان می‌برد؛ اما اجمالاً حقوق مالکیت

صنعتی شاید به اندازه پنج یا شش قرن پیشینه داشته باشد.

مهم‌ترین تطورات مربوط به این بخش، در اواسط قرن هجدهم پدید آمد. البته آن قوانین و مقررات به یکباره مورد پذیرش همه کشورها واقع نشد؛ حالا در مورد سابقه حقوق مالکیت ادبی و هنری و همچنین حقوق مالکیت صنعتی در ایران، اشاره خواهم کرد که چه بخش‌هایی از آن حقوق را پذیرفتند و چه بخش‌هایی را نپذیرفتند.

پیشینه مالکیت معنوی در ایران

ما تا اینجا تاریخچه بسیار کلی و اجمالی از مالکیت معنوی در هر دو شاخه مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی، ذکر کردیم. خوب است اینجا اشاره‌ای به تاریخچه این دو شاخه از مالکیت معنوی در ایران داشته باشیم.

۱. پیشینه مالکیت ادبی و هنری در ایران

اگر بخواهیم قوانین ایران را که مرتبط با مالکیت ادبی و هنری است، در ترازوی ارزیابی قرار بدهیم، الان بالفعل آنچه وجود دارد قابل قبول است ولی هنوز کامل نیست؛ حالا عرض خواهیم کرد که در شاخه مالکیت ادبی و هنری چه کارهایی صورت گرفته و چه کارهایی انجام نشده است. این مسئله از این جهت اهمیت دارد که هر چه بحث‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی به لحاظ پشتوانه‌های نظری قوی‌تر و متقن‌تر باشد، بهتر می‌تواند به تصویب قوانین و مقررات مربوط به این حوزه کمک کند.

در سال ۱۳۴۸ قانونی تحت عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تصویب شد؛ این شاید اولین قانون فراگیر ملی بود که در ایران به تصویب رسید. در سال ۱۳۵۲ آیین‌نامه اجرایی همین قانون به تصویب رسید؛ البته دو سه موضوع هم به این قانون اضافه شد: قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی. بعد از پیروزی انقلاب و سپس در سال ۱۳۸۲، قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین قانون تجارت الکترونیکی تصویب شد. بعد از آن هم به مناسبت، بعضی از قوانین و مقررات دیگر تصویب شد. با آنکه حمایت‌هایی از مؤلفان، هنرمندان به معنای عام، مصنفان، مترجمان صورت گرفت ولی هنوز نقص‌هایی وجود دارد؛ از جمله اینکه ایران هنوز به بعضی از کنوانسیون‌های بین‌المللی که مرتبط با حمایت از آثار ادبی و هنری است، نپیوسته است. کنوانسیون به نام کنوانسیون برن که مربوط به حمایت از آثار ادبی و هنری است؛ کنوانسیون دیگری به نام کنوانسیون رم که موضوع آن حمایت از حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان صفحات صوتی، حقوق مربوط به سازمان‌های پخش و امثال اینهاست؛ ایران هنوز به این دو کنوانسیون ملحق نشده است. البته من الان دقیقاً اطلاع ندارم، اما همین عدم الحاق به این کنوانسیون‌ها باعث شده آنگونه که باید و شاید حقوق مالکیت ادبی و هنری استیفاء نشود. مخصوصاً الان در نظام کپی‌رایت، ما آزادی عمل فراوانی می‌بینیم؛ کسانی از آثار و آفرینش‌های ادبی و هنری دیگران استفاده می‌کنند ولی آنچنان تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند. به طور کلی وضع ما در حوزه آفرینش‌های فکری و معنوی یک مقداری عقب‌تر است از آنچه که مربوط به حقوق مالکیت‌های صنعتی است.

۲. پیشینه مالکیت صنعتی در ایران

اشاره‌ای هم به پیشینه و قوانین مرتبط با حقوق مالکیت صنعتی می‌کنم و این بحث را به پایان می‌برم. تقریباً اولین قانون مربوط به حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری را در سال ۱۳۴۸ داریم؛ اما در مورد مالکیت صنعتی، اولین قانون در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسیده است. در سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات در ۵۱ ماده به تصویب مجلس رسید که نسبتاً قانون و

آیین‌نامه‌های جامعی داشت. در سال ۱۳۳۷ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ تصویب شد؛ در سال ۱۳۳۸ قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس تصویب شد. این مربوط به حمایت از حقوق مالکیت صنعتی بود. در آبان سال ۱۳۷۷، الحاق به کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی تصویب شد؛ همین‌طور در سال ۱۳۸۰ الحاق به موافقت‌نامه مادرید در رابطه با ثبت بین‌المللی علائم تجاری. شاید آخرین اقدام در این رابطه در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و آیین‌نامه‌های اجرایی بود که به تصویب رسید.

من اکنون نمی‌خواهم فهرست همه این قوانین را ذکر کنم، اما اجمالاً هم سابقه قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی بیشتر از مصوبات مربوط به مالکیت ادبی و هنری است، و هم جامعیت و شمول بیشتری دارد. به هر حال شرایط زمانه، نیازها، گستردگی ابتلاء به حقوق مالکیت صنعتی، قانون‌گذاران و مسئولان را وادار کرد که قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مرتبط با حقوق مالکیت صنعتی را روز به روز کامل‌تر کنند. اما در مورد حقوق مالکیت آثار ادبی و هنری، شاید به این وسعت و با این گستردگی و ابتلاء، مواجه نبودند؛ البته محدودیت‌هایی وجود داشته است؛ هم به لحاظ فقهی و هم به لحاظ حقوقی محدودیت‌هایی وجود داشته و شاید اشکالات و ابهاماتی نسبت به این حقوق به نظر می‌رسیده که در آن عرصه به موازات حقوق مالکیت صنعتی، پیش نرفته است. ولی اصل حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری، هم در سطح جهانی در کشورهای مختلف و هم در سطح ملی و داخلی، نسبت به گذشته پیشرفت‌های فراوانی داشته و هر روز با موضوعات و مسائل تازه‌ای مواجه می‌شویم که ما را وادار می‌کند به ارتقاء و تکمیل قوانین و مقررات بپردازیم.

این اجمالی از پیشینه و تاریخچه حقوق مالکیت معنوی اعم از صنعتی و ادبی و هنری بود.

بحث جلسه آینده

خوب است در پایان این مقدمه، اشاره کوتاهی به پیشینه مالکیت معنوی در اسلام و در میان مسلمانان داشته باشیم؛ ببینیم صرف نظر از ادله (که حالا بحث خواهیم کرد این ادله باطلاقتها و بعمومها شامل این انواع از مالکیت می‌شوند یا نه)، آیا گزارشات تاریخی تأیید می‌کند که این حقوق از گذشته در میان مسلمانان به رسمیت شناخته شده یا نه؟ ان‌شاءالله در جلسه آینده به این مطلب اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»